

مقایسه کنید؛ ضمن این که عمده طلاب به حداقل‌هایی از کارکردهای سنتی روحانیت مشغولند. برآوردن این نیازها به نیروهای کیفی نیاز دارد؛ یعنی به دنبال افسر هستیم، اما در تأمین سرباز صفر هم عقب هستیم!

با این توضیح، من فکر می‌کنم حوزه‌ها نسبت به نظام جلوترند؛ یعنی بر اساس این انتظارات تغییراتی داشته‌اند، اما نظام نتوانسته بر اساس این انتظارات، خدمات مناسبی را برای انجام این مأموریت‌به‌حوزه‌ها بدهد. حوزه‌ها هنوز دست بر زانوی خودشان جلو می‌روند و همه چیز را خودشان تأمین می‌کنند.

یک سؤال خاص از شما این است که چقدر این نگاه در مدیریت کلان کشور، به ویژه مجلس وجود دارد؟
پژمان‌فر: فکر می‌کنم هنوز این نگاه ایجاد نشده است... نه مجلس، نه دولت و نه دیگر مسئولان هنوز این نگاه و نقش حوزه را جدی نگرفته‌اند و از حوزه نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بدون این که شما را جدی بگیریم، این کارها را برای ما انجام دهید! اگر کاری هم شده، حوزه خودش جدی گرفته، چون این موضوع را باور دارد. من فکر می‌کنم در این موضوع، نه تنها جای گلایه‌ای از حوزه نیست، بلکه حوزه باید گلایه کند که چرا زمینه ساخت تمدن اسلامی را برای ما فراهم نکردید. در ارتباط با این موضوع، چون بنده در کمیسیون فرهنگی مجلس مشغول هستم، تلاش کردیم در مجلس نهم این نگاه ایجاد شود. امیدوار هستیم به تغییر نگاه مجلس و دولت به حوزه و مأموریت‌های آن کمک کنیم و همان‌طور که نظام خود را در توسعه علوم پزشکی و فنی موظف می‌داند و مراکز علمی را حمایت می‌کند، زیرساخت‌های حوزه را هم فراهم کند.

آمار از وضعیت موجود حوزه علمیه خراسان دارید؟

مهدوی: از نظر کمی، تعداد طلاب حوزه علمیه خراسان در حال حاضر حدود ۲۵ هزار نفر، خواهر و برادر است و تعداد مدارس علمیه هم ۱۳۲ مدرسه؛ برخی از این افراد مشغول تحصیل‌اند و عده‌ای هم تحصیلاتشان تمام شده و در حال تبلیغ، تدریس، تحقیق و غیره هستند. اما باید گفت زیرساخت‌های لازم برای تأمین نیروی انسانی بیشتر را نداریم؛ حتی در خود حوزه علمیه مشهد، ظرفیت مدارس با استانداردهای فضاهای آموزشی قابل مقایسه نیست و فقط در سطح یک، حدود هزار طلبه‌مآزاد بر ظرفیت اعلام شده مدارس داریم. در سطح دو و سه که وضع خیلی وخیم‌تر است.

با یک نگاه واقع‌بینانه و با توجه به وضع موجود، حوزه علمیه چه وظایفی نسبت به تأمین انتظارات نظام دارد و چه عملکردی باید داشته باشد؟

پژمان‌فر: حوزه مسیر خود را طی می‌کند و با توجه به احساس وظیفه‌ای که دارد، فداکارانه و با حداقل امکانات وظایفش را انجام می‌دهد. من فکر می‌کنم حوزه‌ها منتظر زیرساخت‌ها نمی‌مانند. تابه‌حال هم امکانات، حوزه‌ها را به این جایگاه نرسانده است؛ بلکه فداکاری‌ها بوده است و از این به بعد هم باید با این روحیه فداکاری جلو بروند. اما این کار با کندی صورت می‌گیرد و باید این سطح کند را صیقلی کرد.

در آموزش و پرورش، ابزاری به نام هدایت تحصیلی وجود دارد که دانش‌آموزان را در پایان تحصیل به سمت رشته‌های متناسب هدایت می‌کند؛ حوزه چه سهمی در این عرصه دارد؟

مهدوی: اگر توجه لازم به جذب را داشته باشیم، در پذیرش و گزینش هم موفق خواهیم بود. وقتی نمی‌توانیم

مشکل کمیت را حل کنیم و زیرساخت آن آماده نیست، باید کیفیت را بالا ببریم و جذب نیروی کیفی، لازمه کیفی‌سازی است.

برای این منظور از سال‌های گذشته چند برنامه شروع شده است؛ از جمله گروه‌های تبلیغی یاوران حضرت‌مهدی (عج) که در قالب آن، طلابی برای شناساندن حوزه به مدارس راهنمایی و دبیرستان اعزام می‌شوند. با سازمان آموزش و پرورش هم تفاهم‌هایی صورت گرفته تا برخی استادان و مدیران مدارس علمیه با دانش‌آموزان ارتباط‌گیری کرده و استعدادها را شناسایی و جذب کنند. از ظرفیت روحانیان شاغل در آموزش و پرورش، ائمه جماعات مدارس و معلم‌های پرورشی می‌توان در این راستا استفاده کرد و جلساتی هم با بعضی از آن‌ها برگزار شده است.

اقدام ساختاری هم شده است؟ مانند ماده درسی که دبیرستانی‌ها برای رشته‌های دانشگاهی دارند...

مهدوی: نه... اما شکی نیست که دانش‌آموزان باید از طریق آموزش و پرورش با حوزه علمیه به عنوان یکی از رشته‌های انتخابی آشنا شوند.

پژمان‌فر: دفتر همکاری حوزه و آموزش و پرورش فعالیت‌هایی داشته است؛ البته ما با توجه به زیرساخت‌ها و شرایط موجود، مشکل کمی در تقاضای ورود به حوزه‌ها نداریم. امروز اکثر متقاضیان ورود به دانشگاه به نوعی قبول می‌شوند؛ اما در صد قبولی در حوزه‌های علمیه خیلی پایین است که عددش دقیقاً خاطر نمی‌آید...

مهدوی: سال گذشته دوازده هزار نفر متقاضی ورود به حوزه داشته‌ایم، برای تنها ۱۵۰۰ نفر ظرفیت...

پژمان‌فر: یعنی از هر هشت نفر، یک نفر جذب شده است! بنابراین محدودیت در امکانات و ظرفیت ماست. در کیفیت افراد پذیرش شده هم رشد قابل

توجهی داشته‌ایم؛ دانش‌آموزان موفق مدارس نمونه‌مردمی و تیزهوشان که با معدل‌های بالا و انگیزه‌های جدی و رقابتی فشرده، امتیاز ورود به حوزه را پیدا می‌کنند. ما امروز نگران همین کمیت پذیرش هستیم؛ چون حوزه به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌ها نمی‌تواند مأموریتش را انجام دهد.

حوزه یک مرکز آموزشی صرف نیست؛ یک مرکز تربیتی است و در نتیجه غیر از کتابخانه، کلاس و امکانات کمک‌آموزشی، به الزامات دیگری هم نیاز دارد. جنس کار متفاوت است؛ چون قرار است علاوه بر آموزش، انسان‌هایی را تربیت کند که نقش هدایتی جامعه را بر عهده داشته باشند.

چگونه می‌توان مشکل پشتیبانی از حوزه را با حفظ استقلال آن، حل کرد؟

پژمان‌فر: معنای استقلال حوزه این نیست که دیگران وظایفش را انجام ندهند! باید در ازای خدماتی که از حوزه می‌گیرند، بخشی از هزینه ارائه خدمات را هم بپردازند؛ البته نه به صورت مستقیم، بلکه در قالب تأمین زیرساخت‌های لازم در زمینه آموزش و پژوهش، مثل توسعه فضاهای فیزیکی، توسعه کتابخانه‌ای و غیره که اجتناب‌ناپذیر هستند. بنابراین حوزه‌ها در برنامه‌ها و اهداف باید استقلال خودشان را حفظ کنند؛ اما ارائه امکانات برای فعالیت‌های آن ضروری است.

آیا می‌توان این فرایند را نظام‌مند و قانون‌مند کرد؟

پژمان‌فر: بله... مثلاً دستگاه قضا سالانه تعداد قابل توجهی قاضی می‌خواهد که اغلب این نیروها در دل حوزه تربیت می‌شوند تا یکی از وظایف حاکمیت را انجام دهند. بنابراین برای تربیت قاضی کارآمد، باید امکاناتی را ایجاد کنند؛ نظیر کتابخانه تخصصی قضا. حاکمیت با توجه به انتظاراتی

